

تأثیر تورم بر بیمه

ترجمه: محمدرضا حمیدی زاده

برای یک نمونه معین از کالاها پرداخت می‌شود بدون ایجاد تغییر در کیفیت کالاها، تغییر یابد، به معنی کاهش یا افزایش ارزش پولی پول رایج است. بنابراین، ثبات سطح قیمت به معنی حفظ ارزش پولی است و پول می‌تواند بعنوان وسیله اندازه‌گیری ارزش کالاها و خدمات انجام وظیفه نماید. سطح قیمت، میانگین حسابی ساده کلیه قیمت‌ها در چهارچوب یک اقتصاد معین می‌باشد. در حالی که محاسبه چنین سطح قیمتی بر پایه تجربی کم و بیش غیرممکن می‌باشد. اما شاخص قیمت‌ها برای بیشتر اقلام، کالاها و خدمات انتخابی (قیمت‌های مصرفی، قیمت‌های عمده فروشی، هزینه زندگی، غیره)، تهیه و تدوین می‌گردد.

غالبا "به استفاده از شاخص هزینه زندگی (یا شاخص مربوط) به عنوان مقیاسی برای اندازه‌گیری کاهش قدرت خرید پول رایج انتقاد می‌شود. ضعف عمده روش مزبور ندادن نقش به تغییر در سلیقه‌های مصرفی هنگام بهبود کیفیت گروه کالاها و خدمات انتخابی است. گرچه تجدیدنظر و انتخاب مجدد اقلام مزبور از زمانی به زمان دیگر مثرتر واقع می‌شود و به دقیقتر شدن روش محاسبه کمک می‌نماید، اما مقایسه شاخصهای یک دوره طولانی هنوز هم تا حدی مساله‌آمیز است.

علی‌رغم تمام این کاستیها و از این نظر که سیستم بهتری تاکنون شناخته نشده است، شاخص هزینه زندگی و دیگر شاخصهای قیمت در حال حاضر روش کلی اندازه‌گیری افزایش یا کاهش ارزش پولی می‌باشد.

تورم به معنای فوق نتیجه عدم تعادل بیسن عرضه و تقاضا است:

مطالبی که در زیر ارائه می‌شود خلاصه تحقیقی است که تحت همین عنوان از سوی "مونیخ‌ری" منتشر شده است. در این مقاله تاثیر تورم بر صنعت بیمه جمهوری فدرال آلمان مورد بررسی قرار می‌گیرد. با توجه به جامعیت بررسی انجام گرفته و روش تحقیق مورد استفاده مباحث این مقاله می‌تواند یک الگوی کلی را جهت مطالعه تورم و تاثیر آن بر صنعت بیمه کشور را در اختیار محققین قرار دهد.

الف - تورم، پدیده جهانی

کلیه دولتهای جهان از تورم به ستوه آمده‌اند؛ دولتهای کارگری چپ‌گرا، احزاب راست، احزاب چپ، میان‌روها... تقریباً "بسیار مشکل است مشخص کرد که پدیده مزبور متعلق به کدام گروه از کشورهای توسعه یافته یا توسعه نیافته است، در هر یک از دو گروه، کشورهای وجود دارند که تقریباً "ترخهای تورم بالائی داشته و تعداد دیگری هم در وضعیت نسبتاً "معتدلی قرار دارند.

در مقاله حاضر، سعی می‌شود سه سوال زیر مورد بررسی قرار گیرد:

- تورم چیست؟ آیا پدیده‌ای که با این واژه مشخص می‌شود در صنعت بیمه تاثیر اندکی دارد یا حداقل سطح نسبتاً "وسعی را در برمی‌گیرد؟

- به چه طریق پدیده تورم، صرفنظر از تعریف آن بر رشته‌های مختلف بیمه اثر می‌گذارد؟

- به چه نحوی توان تاثیر تورم را بر بیمه به کمک ابزارهایی که در اختیار شرکت‌های بیمه است از بین برد یا کاهش داد؟

ب - تعریف و علت تورم

تورم "افزایش سطح قیمت‌ها یا بالعکس به عنوان کاهش ارزش پولی تعریف می‌شود. اگر قیمتی که

شاغل در بخش خدمات بیش از هفده درصد افزایش نشان می‌دهد. این افزایش می‌تواند تورم بوجود آورد زیرا در رشته خدمات امکان جایگزینی نیروی انسانی با سرمایه محدود است.

مثالی که در این مورد می‌توان زد قیمت خودرو فولکس واگن است: در سال ۱۹۵۰ هزینه فولکس واگن معادل دو ساعت تعمیر بود در حالی که در سال ۱۹۷۴ تقریباً به ۲۰۰ ساعت تعمیر افزایش یافت. نظر باینکه شاخص حقوق و دستمزد به‌طور قابل توجهی سریعتر از شاخص هزینه زندگی افزایش می‌یابد (نمودار ۱)، قیمت خدمات که همواره بر شاخص هزینه‌های کار متکی است، به یک نسبت بالایی در کلیه کشورهای صنعتی افزایش یافته است.

در بیمه‌های غیر عمر، حدود ۵۰-۶۰٪ کل مخارج برای تقاضاها و هزینه‌ها مستقیماً به حقوق و دستمزد، حدود ۲۵٪ به قیمت‌ها، و باقی مانده به سایر عوامل بستگی دارند. نظر به اهمیت حقوق و دستمزد در مخارج بیمه‌گران، با اطمینان می‌توان پیش‌بینی کرد که حتی اگر دولت‌ها در کاهش نرخ تنزل ارزش سالیانه پول کشور خود موفق شوند افزایش حقوق و دستمزد ادامه یافته و مسائل موجود به بیمه‌گران انتقال خواهد یافت.

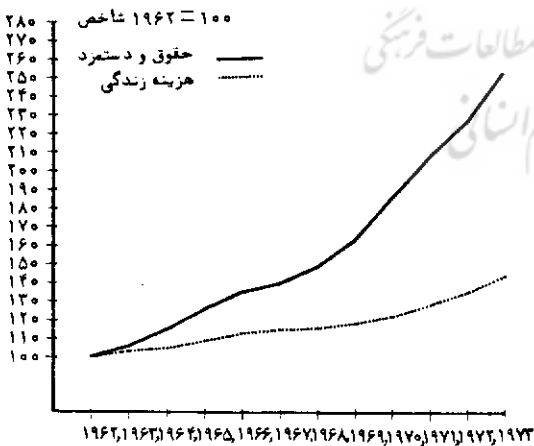
اگر تولیدکنندگان مایل به تولید کالاهای بیشتری از آنچه که می‌توانند با ماشین‌آلات و کارگران موجود تولید کنند باشند،

اگر مصرف‌کنندگان مایل به خرید کالاهای و خدمات بیشتری از آنچه که در بازار موجود است باشند،

اگر مصرف‌کنندگان، دولت و مؤسسات درصدد توزیع سود بیشتری در میان خود از آنچه که کسب می‌کنند باشند تورم بوجود می‌آید.

آنها تلاش به نگهداری (ارزش) چیزی می‌کنند که با ابزارهای اقتصادی موجود امکان نگهداریش وجود ندارد. کاهش ارزش پول (تورم) در قلمرو اقتصاد پاسخ آشی است که هم‌اکنون پخته شده است. با توجه به هدف این مقاله، ضرورتی به آشنایی بیشتر با انواع تورم (تورم ناشی از افزایش تقاضا یا تورم ناشی از افزایش هزینه) نیست، زیرا اثر تورم بر بیمه بستگی به نوع آن ندارد. علاوه بر این، لزومی به بحث راجع به نظریه‌های مختلف عدم تورم (از قبیل نظریه‌های تورم پولی، نظریه‌های تورم غیر پولی، نظریه‌های تورم اجتماعی - روانی) نیست، زیرا بنا به عللی، در آینده قابل پیش‌بینی نمی‌توان مساله تورم را از مؤسسات بیمه‌گر دور ساخت.

رشته خدمات، به عبارت دیگر، "بخش سوم" (که صنعت بیمه نیز بدان تعلق دارد)، پیوسته هنگام افزایش بازدهی و درآمد واقعی کشور گسترش می‌یابد. تا سال ۱۹۸۵، تقریباً ۵۰٪ کلیه اشخاص شاغل در اکثر کشورهای صنعتی اروپای غربی در بخش خدمات مشغول بکار خواهند بود، در حالی که در ایالات متحده و کانادا تقریباً "دوسوم کلیه اشخاص شاغل در این بخش بسر خواهند برد. صنایع کارخانه‌ای در عین اینکه افزایش سرمایه‌گذاریهای ثابت امکان گسترش بیشتر آنها فراهم می‌سازد فقط به یک سوم کل نیروی کار ملی نیاز خواهند داشت زیرا در تولید از نیروی انسانی، کمتر استفاده بعمل می‌آید. در طی بیست سال گذشته حجم کالاهای تولید شده بیش از دو برابر شده است در حالی که تعداد کارگران فقط در حدود چهار درصد افزایش یافته است. بهرحال، در همان دوره، تعداد اشخاص



نمودار شماره ۱ (۱)

نمودار ۱ - افزایش متوسط حقوق و شاخص هزینه زندگی در جمهوری فدرال آلمان

ج - تورم و صنعت بیمه

تورم در زمینه‌های متعددی بر صنعت بیمه اثر گذاشته است :

۱ - "بیمه‌گذار" مجبور به مقابله با این حقیقت است که برای مثال قدرت خرید بیمه عمر در سال ۱۹۵۰ بیش از ۱۰۰۰/۰۰۰ مارک آلمان بوده در حالی که در سال ۱۹۷۵ تقریباً "به نصف تقلیل یافته است .

۲ - دارایی، هزینه و پرداخت خسارات بیمه‌گر تحت تاثیر اثر کاهش ارزش پول قرار گرفته است .

در زیر فقط جنبه دوم (اثر تورم) حقوق و دستمزد بر پرداخت خسارات مورد بررسی قرار می‌گیرد زیرا در این رشته شرایط خاص بیمه مسائل مشخصی بوجود می‌آورد :

۳ - قیمت باید قبل از مشخص شدن هزینه‌های واقعی تولید محاسبه گردند .

۴ - بطور اجتناب‌ناپذیری یک فاصله زمانی مابین وقوع خسارت و تاریخ جبران آن وجود دارد، قاعدتاً "، مبنای تصفیه خسارت، ارزش پول در زمان رسیدگی به خسارت است و نه در زمان وقوع آن . در نتیجه هر چه فاصله زمانی مابین وقوع خسارت و تصفیه آن طولانی‌تر می‌شود، هزینه زندگی بیشتر خواهد شد . در جدول زیر متوسط مدت زمانی که تصفیه خسارت در شعبات مختلف بیمه طول می‌کشد، منعکس شده است .

بر اساس مقدار کل بدهی که در یک سال وقوع می‌یابد، درصد‌های زیر (ارقام متوسط) پرداخت می‌شود .

تذکرات :

۱ - در بیمه شخص ثالث روند نشانگر جبران سریع خسارات می‌باشد، بطوری که تعداد خسارات جبران شده در سال اول و دوم روبه‌افزایش است .

۲ - در سایر فعالیتها (شعبات)، شرکت‌های مختلف بسیار متفاوت عمل می‌نمایند . در بیمه مسئولیت مدنی برای مثال، شرکت‌هایی که سهم بیشتری در فعالیت‌های بازرگانی صنعت داشته خسارات کمتری را در سال اول نسبت به شرکت‌هایی که سهم بیشتری در فعالیت‌های بازرگانی معمولی دارند جبران نموده‌اند .

۳ - در بیمه بدنه کشتی، شرکت‌هایی که پرتفوی آنها فقط از خطرهای داخلی تشکیل می‌شود خسارات را سریعتر از شرکت‌هایی که دارای پرتفوی سطح جهانی هستند جبران می‌کنند . در بازار آلمان، تقریباً " ۸۰ - ۹۰ درصد تمام خسارات در ظرف سه سال جبران می‌شوند . در حالی که تعداد خسارات جبران شده در طی این دوره، در سطح جهانی بندرت بیشتر از ۶۵ - ۷۰ درصد می‌گردد (۹۰٪ تا سال پنجم یا ششم جبران شده و معمولاً " ۱۰۰٪ تا قبل از سال دهم جبران نشده‌اند) .

۱ - عوامل خطر

"حق بیمه فنی خالص (یعنی حق بیمه‌ای که خسارات را بدون هزینه، وجوه احتیاطی و حاشیه سود دربر می‌گیرد) بستگی به دو عامل زیر دارد :

- تواتر خسارات

- متوسط میزان خسارت پرداختی

نوع فعالیت	در سال اول	سال دوم	سال سوم	سال چهارم	سال پنجم	سال ششم	سال هفتم	سال هشتم	سال نهم	سال به بعد
بیمه شخص ثالث	تقریباً " ۴۸	۳۰	۸	۴	۳	۱	۱	۱	۱	۱
بیمه مسئولیت مدنی (جمهوری فدرال)	تقریباً " ۳۵	۳۰	۸	۴	۳	۱	۱	۱	۱	۱
بیمه بدنه کشتی	تقریباً " ۳۳	۲۲	۱۸	۹	۸	۴	۲	۱	۱	۱
بیمه حمل و نقل	تقریباً " ۵۰	۳۲	۷	۳	۳	۲	۱	۱	۱	۱
بیمه آتش‌سوزی (جمهوری فدرال)	تقریباً " ۵۲	۲۸	۶	سال چهارم و سالهای بعد :						
بیمه عدم النفع (جمهوری فدرال)	تقریباً " ۴۰	۳۳	۱۰	سال چهارم و سالهای بعد :						

خسارت پرداختی تاثیر بسزایی ندارد، زیرا در کلیه رشته‌ها عوامل خطر دیگری وجود دارد که به نوبه خود نقش بارزی ایفاء می‌کند.

الف - بیمه آتش‌سوزی صنعتی

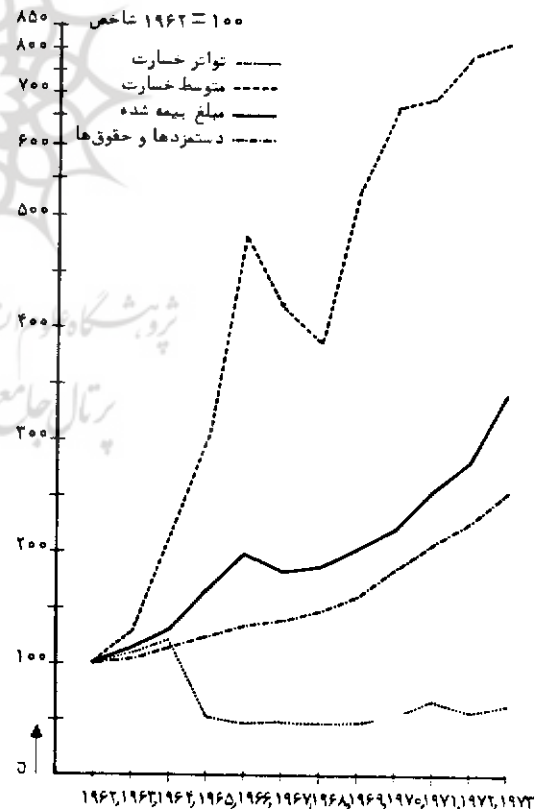
همانطور که می‌توان در نمودارهای ۲ و ۳ مشاهده کرد، قیمت‌ها و دستمزدها پیوسته افزایش یافته‌است در حالی که متوسط میزان خسارت بطور کامل "متفاوتی" افزایش می‌یابد، حجم یا اندازه مواردی که در معرض خطر آتش‌سوزی قرار دارند در مقایسه با دستمزدها و قیمت‌ها دارای تاثیر بیشتری بر متوسط میزان خسارت می‌باشند.

ب - بیمه بدنی کشتی

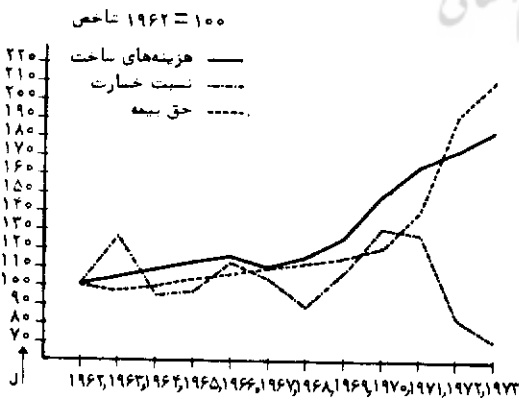
شبیه همین نتیجه را می‌توان از شکل ۴ نسبت به بیمه بدنه کشتی گرفت: هزینه‌های تعمیر کشتی به میزان زیاد و پیوسته افزایش یافته‌است اما علی‌رغم ثابت بودن متوسط حق بیمه در هر سال ۱۹۶۹، مشکل بتوان ارتباطی بین نسبت خسارات و هزینه‌های تعمیر کشتی یافت. دلیلی که می‌توان برای این مساله غیرمترقبه ارائه کرد اینست که در دوره مورد نظر نوع کشتیهای بیمه شده برحسب اندازه و ساخت تغییر می‌یابند، به موجب آن افزایش در هزینه‌های تعمیر کشتی تا اندازه‌ای با تقلیل سایر عوامل مخاطره جبران می‌شود، آن عوامل ممکن است تواتر کمتر خسارات یا حساسیت کمتری به انواع خاص صدمه باشد.

همانطور که می‌توان در ضمام ۱ تا ۵ مشاهده کرد، علی‌رغم آنکه حقوقها و قیمت‌ها عامل خطر محسوب می‌شوند، عملاً "به تواتر خسارتها تاثیری نداشته، بلکه متوسط میزان هر یک از خسارات را در هر یک از رشته‌های بیمه، تحت تاثیر قرار میدهند. بنابراین به تبع آن در کلیه رشته‌ها هنگامی که ضریب خسارات، عمدتاً "تحت تاثیر نوسانات شدید تواتر خسارات قرار دارد (برای مثال، در زمینه حوادث فاجعه‌آمیز از قبیل عواقب ناشی از طوفان، تندباد، گردباد، سیل، تگرگ، زمین‌لرزه و غیره) هنگام محاسبه حق بیمه فنی تاثیر تورم اندک بوده و یا حتی می‌توان از آن چشم‌پوشی کرد.

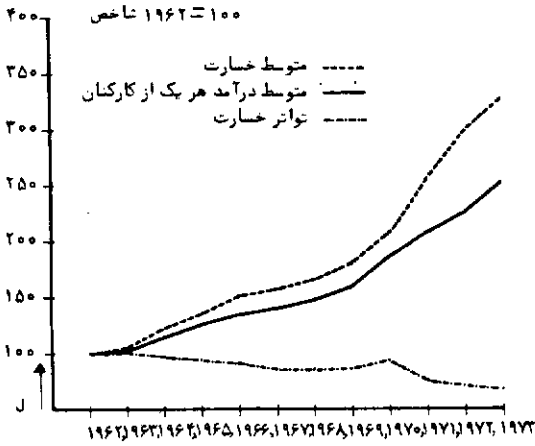
بهرحال، حتی در رشته‌های فوق‌الذکر، هنگامی که تواتر خسارات صرفاً "دارای نوسانات جزئی است، افزایش حقوق و قیمت‌ها لزوماً "بر رشد متوسط میزان



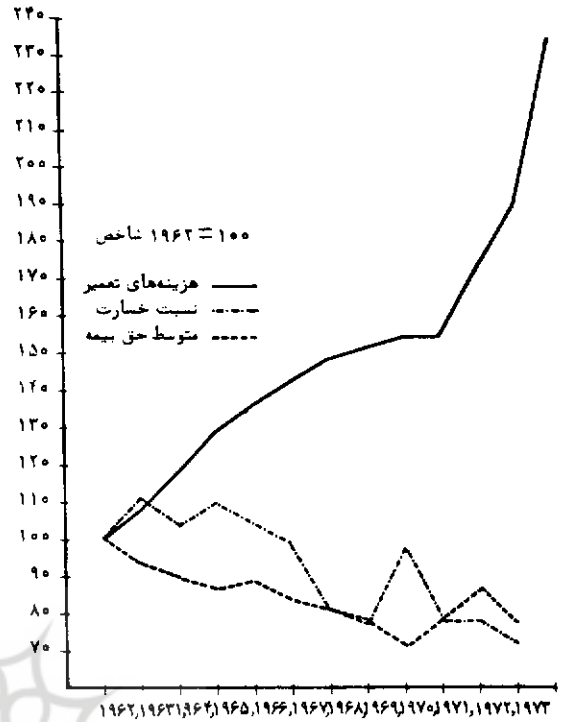
نمودار شماره ۲



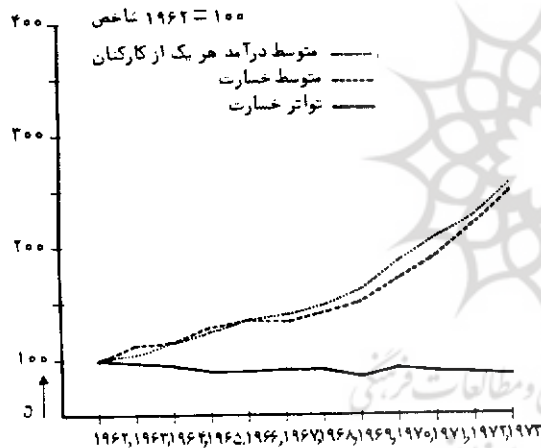
نمودار شماره ۳



نمودار شماره ۵ (۵)



نمودار شماره ۴ (۴)



نمودار شماره ۶ (۶)

ج - بیمه مسئولیت

همانطور که در نمودارهای ۵ و ۶ نشان داده شده وضعیت بیمه شخص ثالث و مسئولیت مدنی کاملاً متفاوت است:

در هر نوع رشته، متوسط میزان خسارت در طی سالیان درازی به موازات افزایش حقوق و دستمزد افزایش می‌یابد (شکافی که در سال ۷۳-۱۹۷۱ برای بیمه شخص ثالث دیده می‌شود بیانگر خاتمه روند افزایش آن نیست بلکه فقط علت تغییر روند آن ناشی از افزایش زیاد حق بیمه در سال ۱۹۷۱ است که قبل خسارات کوچک را برای بیمه‌گذاران مقرون به صرفه نموده و زبانی را متوجه آن نمی‌نماید. گاهشی که در خسارات کوچک مشاهده شده نقطه شروع افزایش متوسط خسارت به مقدار بسیار زیاد بوده است).

۲- نحوه پیشگیری اثر افزایش حقوق و قیمت به منظور ایجاد توازن بین حق بیمه‌ها و خسارات،

از جنبه نظری، بیمه‌گر می‌تواند درآمد خود را افزایش داده یا پرداختیهای خود را محدود سازد. در طریق دوم، وی با گنجاینیدن شروطنی در بیمه‌نامه مبنی بر مستثنی‌بودن آثار تورم، مبلغی کمتر از آنچه که تعهد کرده است می‌پردازد. در سایه عدم اطمینانی که در نتیجه ایجاد چنین محدودیتی در پوشش بیمه‌ای و به تبع آن پرداختیهای بیمه‌گر بوجود می‌آید، این روش نمی‌تواند کاربرد چندانی داشته باشد یعنی برای افزایش درآمد است که بیمه‌گران کوشش

می‌کنند تا براساس پرداخت خسارات خود مسائلی را که از حقوق و دستمزد ناشی می‌شود حل نمایند.

الف - تجدید سالیانه بیمه‌نامه‌ها

برای تعدیل حق بیمه‌ها متناسب با افزایش هزینه‌های دعاوی خسارت، قراردادهای بیمه باید فقط برای یکسال منعقد شود تا در نتیجه حق بیمه‌ها سالیانه تعیین گردد و باید اطمینان حاصل شود تا در زمان تجدیدنظر آمار بهنگام در اختیار قرار داشته باشد. شکاف بین دوره پایانی آمار و اطلاعات و آغاز پوشش بیمه باید تا حد ممکن کم بوده تا تداوم روند از بین نرود. به صورت نظری این بهترین شیوه حفظ یا برقراری توازن بین خسارات و حق بیمه‌ها است. علیرغم اهمیتی که دستمزدها و قیمت‌ها بعنوان عامل خطر دارند باید متوجه بود که عوامل متعدد دیگری نیز وجود دارد که می‌تواند بر خسارت‌ها مؤثر واقع شود و تنها با تجدیدنظر در نرخ‌ها می‌توان آثار این عوامل را ملحوظ داشت. بهرحال، روش مزبور، هزینه‌های اداری بالائی دربرداشته بدین لحاظ فقط برای رشته‌هایی که میزان حق بیمه بسیاری دارند مانند بدنه کشتی، آتش‌سوزی صنعتی یا مسئولیت صنعتی، مقرون به صرفه خواهد بود. لذا، هزینه مزبور برای رشته‌هایی از قبیل بیمه دزدی یا بدنه خودرو بسیار سنگین است.

ب - روشهای محاسبه شاخص

بطورکلی، برای رشته‌های غیرصنعتی که حق بیمه هر یک از بیمه‌نامه‌ها مبلغی اندک است، بیمه‌گران برای صرفه‌جویی هزینه‌ها امکان اصلاحات اتوماتیکی را در بیمه‌نامه‌ها در نظر می‌گیرند. اصلاحات مزبور بایک شاخص مرتبط می‌شوند. به‌نحویکه اگر شاخص مزبور به میزان x درصد افزایش یابد، حق بیمه هر بیمه‌نامه نیز به همان میزان افزایش خواهد یافت. اصولاً، سه روش برای محاسبه شاخص وجود دارد که اهمیت بسزائی دارند.

ج - نحوه محاسبه شاخص مبلغ بیمه

با ارتباط دادن مبلغ بیمه به یک شاخص (معمولاً "به شاخص قیمت) مبلغ بیمه خودبخود افزایش خواهد یافت و به نوبه خود (با این شرط که نرخ حق بیمه بدون تغییر باقی بماند) به‌طور غیرمستقیم منجر به

افزایش حق بیمه‌ها خواهد شد. در مواردی که اصل قاعده نسبی حاکم است از این روش می‌توان برای مقابله با افزایش دستمزدها و قیمت‌ها ضمن رعایت کلیه شرایط زیر استفاده بعمل آورد.

— در گذشته، ارزش مورد بیمه باید به موازات شاخص انتخابی کم و بیش افزایش می‌یافت و در آینده نیز احتمالاً "رشد خود را به موازات آنها ادامه خواهد داد.

— بسیار حائز اهمیت است که مبلغ بیمه برابر ارزش کل واقعی مورد بیمه باشد که در غیر اینصورت مساله بیمه به ارزش کمتر می‌تواند مطرح گردد. مطرح شدن مساله بیمه به ارزش کمتر در مواردی که اصولاً "ارزش واقعی پذیرفته شده‌ای وجود نداشته باشد ایجاد مشکل خواهد نمود، که بیمه‌بدهنده کشتی از آن جمله است و یا زمانی که متوسط میزان خسارت کمتر از هزینه‌های اثبات بیمه به ارزش کمتر است از جمله موارد دیگر است.

— به تناسب، پرداخت‌های بیمه‌نامه نباید سریعتر از ارزش مورد بیمه افزایش یابد. کلیه خسارات بیمه‌ای که هزینه‌های تعمیر را هم شامل می‌شود (برای مثال خسارات خاص در رابطه با بدنه کشتی) سریعتر از ارزش مورد بیمه افزایش می‌یابند درحالی که پرداخت غرامت در رابطه با خسارات کلی یا بخش‌هایی از مورد بیمه به همان نسبت مبلغ بیمه افزایش می‌یابد (به‌عنوان مثال در بیمه دزدی یا بیمه آتش‌سوزی)

د - ارتباط حق بیمه‌ها به شاخص

بجای ارتباط دادن مبلغ بیمه شده به شاخص و به تبع آن افزایش غیرمستقیم حق بیمه، بیمه‌گر می‌تواند حق بیمه را مستقیماً "به شاخص قیمت یا دستمزد ارتباط دهد. این روش برای مواردی بجز بیمه ارزش کامل مناسب می‌باشد، که بیمه‌بدهنده خودرو یا مسئولیت مدنی از آن جمله است. روش مزبور هزینه‌های اداری کم اما یک نقص آشکار دارد، و آن در نظر گرفتن قیمت‌ها و دستمزدها بعنوان عامل خطر مجزاست. سایر عوامل خطر، بویژه آنهایی که بر تواتر خسارات تأثیر می‌گذارند مورد توجه قرار نمی‌گیرند. بنابراین، ارتباط حق بیمه‌ها به هر شکلی از شاخص دستمزد یا قیمت فقط

تحت دو شرط زیر امکان پذیر است :

- نباید نوسانات عمده‌ای در نواتر خسارات که انتظار می‌رود از یکسال به سال دیگر وجود داشته باشد یافت گردد .

- تاثیر حقوق یا قیمت‌ها بر متوسط میزان خسارت باید تا اندازه‌ای نافذ باشد که سایر عوامل مخاطره از میدان خارج شوند .

هـ- ارتباط حق بیمه‌ها به آمار بازار

بیمه‌گران می‌توانند از دو یا چند شاخص استفاده کنند ، براین اساس با منظور نمودن بیش از یک عامل خطر ، محاسبه دقیقتر می‌گردد . از این روش در آلمان برای بیمه شکست ماشین‌آلات استفاده می‌شود . فرمول ، هم مبلغ بیمه و هم حق بیمه را به‌طور اتوماتیک تعدیل می‌نماید . مبلغ بیمه براساس شاخص قیمت‌های تولیدی برای ماشین‌آلات تجدید نظر می‌شود . علاوه براین ، براساس شاخص قیمت‌های مزبور ، حق بیمه به میزان ۳۰٪ و با توجه به شاخص دستمزدها در صنعت کالاهای سرمایه‌ای به میزان ۷۰٪ تعدیل می‌گردد . علت اینکار بستگی داشتن حدود ۳۰٪ هزینه خسارات به قیمت‌ها (برای لوازم یدکی) و ۷۰٪ به کار (برای هزینه تعمیرات) یدکی) و ۷۰٪ به کار (برای هزینه تعمیرات) است .

حق بیمه‌ها را بجای ارتباط دادن با یک شاخص رسمی ، می‌توان از طریق مرتبط ساختن آن با داده‌های آماری کل شرکت‌های بیمه فعال در بازار ، بطور اتوماتیک تبدیل کرد . بعنوان مثال ، از روش مزبور در آلمان در ارتباط با بیمه مسئولیت مدنی استفاده می‌گردد . یک هیات مستقل با استفاده از فرمولهائی که مطابق با شرایط عمومی بیمه اصلاح گردیده‌اند ، افزایش متوسط پرداختی بابت خسارات را در اول آوریل هر سال مورد تأیید قرار می‌دهد . پس درصد افزایش خسارت به نزدیکترین رقم کمتری که بر ۵ بخش پذیر باشد گرد می‌شود چنانچه افزایش خسارت کمتر از ۵ درصد باشد . حق بیمه افزایش نمی‌یابد ، اگر افزایش خسارت معادل ۷ درصد باشد حق بیمه به میزان ۵ درصد و در صورت افزایش آن به ۱۱ درصد ، حق بیمه ۱۰ درصد و الی آخر افزایش می‌یابد . به عبارت دیگر اگر متوسط مبلغ هر خسارت $9/9$ درصد شود از $4/9$ و به عبارتی از ۵۰ درصد افزایش حاصل صرفنظر می‌شود . این روش علیرغم نواقص آشکار آن نتایج قابل قبولی بدست داده است . زیرا در عمل آن قسمت از افزایش در خسارت را که به علت گرد کردن رقم ایجاد شده ، از دست می‌دهد ، تاکنون حائز اهمیت نبوده است .

ز - مشکلات ناشی از روشهای تعدیل اتوماتیک روشهای تعدیل اتوماتیک حق بیمه فوق‌الذکر در مقایسه با روشهای پرحمت تجدید نرخ سالانه هر بیمه‌نامه ، کاملاً "اقتصادی" است . به عبارت دیگر ، کلیه فرمولهائی که برای تعدیل اتوماتیک حق بیمه به کار گرفته می‌شوند چندان مسائل حادی را در عمل که نتوان بر آنها غلبه کرد بوجود نمی‌آورند .

ح - تأخیر زمانی

فرمولهائی اتوماتیک معمولاً "حداقل با تأخیر زمانی یکساله استفاده می‌شوند . بنابراین ، با افزایش شاخص انتخابی ، حق بیمه فقط برای یک یا دو سال بعد تعدیل می‌گردد . به عبارت دیگر ، هنگام افزایش سریع و ناگهانی در هزینه خسارات و بالطبع در شاخص انتخابی ، بیمه‌گر برای یک ، دو یا حتی چند سال متضرر خواهد شد . در بعضی موارد ، دوره زمانی ممکن است بسیار طولانی شود .

ط - عدم کفایت حق بیمه پایه

از کلیه فرمولهائی اتوماتیک می‌توان برای حق بیمه پایه استفاده نمود . در صورت کافی نبودن حق بیمه پایه ، از فرمولهائی نمی‌توان استفاده بعمل آورد . معمولاً قیمت‌ها با تأخیر زمانی تحت تاثیر تورم قرار گرفته ، لذا بیمه‌گران درمی‌یابند که نباید تورم جاری را مدنظر قرار دهند .

این روش به علت در نظر گرفتن کلیه عوامل خطر تاثیر گذار بر متوسط مبلغ پرداختی بابت هر خسارت در مقایسه با سایر روشها که معمولاً "فقط دو عامل دستمزد و قیمت‌ها را مورد توجه قرار می‌دهند از کاستیهای کمتری برخوردار است .

و - ترکیب دو یا چند شاخص

به جای تعدیل حق بیمه فقط در ارتباط با یک شاخص ،

۳- یکسان نبودن خطرات

نهایتاً " فرمولهای اتوماتیک یکسان بودن کلیه خطرات رشته‌های فعالیت را نشان می‌دهد. این عامل موجب ثابت شدن حق بیمه می‌گردد به طوری که تفاوت بارزی در افزایش انواع خطرات پدیدار نمی‌گردد. اگر شاخص یکنواختی را بتوان برای انواع خطرات با ازدیاد خسارات در نظر گرفت. تحولاتی را که با در نظر گرفتن شاخص یکنواخت برای انواع خطر با ازدیاد خسارات بوجود می‌آید می‌توان در جدول ذیل مشاهده نمود.

گروه خطر	حق بیمه خطر		حق بیمه واقعی هنگام استفاده از شاخص یکنواخت
	۱۹۷۵	۱۹۷۰	
A	۱۴۴	۱۰۰+۷/۵%	۱۶۲ (= +۱۸)
B	۱۸۰	۱۰۰+۱۲/۵%	(= -۱۸)
A+B	۱۶۲	۱۰۰+۱۰%	۱۶۲

بطور مستقیم یا غیرمستقیم به روند دستمزدها بستگی دارد. از اینرو، در اقتصاد رو به توسعه (که افزایش دستمزدها را به همراه دارد) حجم خسارت به تناسب بیشتری افزایش می‌یابد. بنابراین، شاخص هزینه زندگی (شاخص قیمت) که کلاً "بعنوان شاخص تورم پذیرفته شده نمی‌تواند مقیاس مناسب اندازه‌گیری تاثیر تورم بر بیمه باشد. حتی اگر شاخص هزینه زندگی همانطور که در بعضی از کشورها بوده، تغییر نیافته یا تغییر اندکی نشان دهد افزایش دستمزدها، آراء دادگاه، پیشرفت طب و دیگر عوامل که تورم اضافی نامیده می‌شوند منجر به افزایش هزینه خسارت خواهند شد.

ب - به‌رحال در هیچیک از رشته‌های بیمه نمی‌توان هزینه دستمزد و قیمت‌ها را تنها عامل خطر در نظر گرفت. درحقیقت، در بسیاری از زمینه‌ها، حتی عامل خطر قطعی نیز تلقی نمی‌شوند. برای اساس، کاملاً "واضح است که هر فرمولی که فقط عوامل مزبور را در نظر گیرد، نمی‌تواند راه‌حل جامعی ارائه دهد.

ج - بهترین شیوه بررسی مسائل ناشی از تاثیر تورم بر پرداخت خسارت، در نظر گرفتن تمام خطرات در محاسبه است. یعنی محاسبه حق بیمه فنی را در فواصل کوتاه زمانی مورد تجدیدنظر قرار دادن، به‌رحال اتخاذ روش مزبور - هزینه است. لذا فقط در رشته‌هایی توصیه می‌شود که میزان حق بیمه آنها بابت هر بیمه‌نامه‌ای مقداری مشخص است. بدین علت است که بیمه‌گران سعی می‌کنند تا روشی را که شاید بتوان آنرا بهترین راه‌حل دوم نامید، مورد استفاده قرار دهند. در این راه‌حل، فرمولهای برای افزایش اتوماتیک حق بیمه، هنگام افزایش شاخص انتخابی به مقداری مشخص، ارائه می‌گردد. به‌رحال برای اجتناب از غیرقابل انعطاف شدن سطح حق بیمه‌ها بعلاوه درج چنین شرایطی، ضروری است که در فواصل زمانی مشخص بافت عمومی نرخ‌گذاری مورد تجدیدنظر قرار بگیرد.

براین اساس کلیه بیمه‌گران مایل به منظور نمودن خطرات گروه A می‌باشند زیرا انتظار سود بیشتری دارند، درحالی‌که بنا به عللی بیمه‌گرانی که در خطرات گروه B قرار می‌گیرند زیان سنگینی را با همان حق بیمه متحمل می‌گردند. برای جلوگیری از بروز چنین حوادثی، هنگام وارد کردن حق بیمه‌های شاخص‌های، ضروری است بافت تعرفه بررسی شده و نرخهای آن متناسب با تغییر ساختار خسارات تعدیل گردد. هدف از ضرورت تجدید تعرفه در فواصل کوتاه زمانی، حفظ نکات قوت روشهای اتوماتیک به طور معقول است. توجه شود که انجام اینکار هزینه کمی دربردارد.

د - خلاصه

الف - پرداخت خسارت بیمه‌گران تا ۹۰%

ضمیمه شماره ۱

- محتویات ساختمان بیمه شده ، مکان ، فسادپذیری ، حساسیت در مقابل آب ، قابلیت شکستن
- کیفیت بد ساختمان
- ۲ - عوامل تاثیرگذار بر متوسط میزان هر خسارت
- الف - ارزش موارد بیمه شده
- ب - هزینه دستمزدها و قیمت‌ها
- ج - نوع ساخت بنا

ضمیمه شماره ۳

بیمه دزدی

- ۱ - عوامل تاثیرگذار بر تواتر خسارت
- الف - نرخ جرائم
- جرائم حرفه‌ای ، آماورها ، باندهای دزدی و دزدان باسابقه
- شرایط سیاسی و اقتصادی
- مال‌خرها (سازمان دریافت اجناس بسرقت رفته)
- ب - اقدامات ایمنی
- محافظت ، نگهبان‌ها ، مستحفظین
- میزان ایمنی کانتینرها
- همکاری با پلیس
- قابلیت در معرض مخاطره قرار گرفتن مورد بیمه
- ۲ - عوامل خطرناک‌گذار بر متوسط میزان هر خسارت
- ارزش و مقدار موارد بیمه
- قابلیت حمل
- هزینه دستمزدها

- بیمه آتش‌سوزی
- ۱ - عوامل خطرناک‌گذار بر تواتر خسارت
- الف - مخاطره ذاتی موارد بیمه
- خطر آتش‌سوزی و انفجار مورد بیمه (به‌عنوان مواد جامد ، قابل اشتعال) با قابلیت اشتعال کم ، غیر قابل اشتعال
- خطر آتش‌سوزی و انفجار در فراگرد تولید (برای مثال در کارخانجات مواد شیمیایی و ماشین‌آلات)
- اتوماسیون (کم‌دقتی نسبت به امکان آتش‌سوزی در کارخانه)
- ب - مخاطرات رفتاری
- شیوه برخورد با نحوه انجام کار
- استاندارد آموزش
- موقعیت بازار کار
- تکنولوژی کار یکنواخت
- ج - خطرهای خارجی
- محیط اطراف
- فورس‌ماژور (بابت رعد و برق ، طوفان)
- سقوط هواپیما
- آتش‌سوزی عمدی
- ۲ - عوامل خطرناک‌گذار بر متوسط میزان هر خسارت

ضمیمه شماره ۲

طوفان

- ۱ - عوامل تاثیرگذار بر تواتر خسارت
- بیمه بدنه کشتی
- ۱ - عوامل خطرناک‌گذار بر تواتر خسارت
- الف - نوع کشتی
- ب - حجم (تناژ)
- پ - سن
- ت - منطقه جغرافیایی (مه‌لود ، توفان ، یخبندان ، آبهای خطرناک ، تردد کشتی)
- ث - طبقه‌بندی

ضمیمه شماره ۴

- ۱ - عوامل تاثیرگذار بر تواتر خسارت
- الف - موقعیت جغرافیایی
- نواحی ساحلی یا داخلی
- شهر یا حومه شهر ، خانه تک‌واحدی یا نواحی مسکونی
- نواحی اطراف
- ب - نوع مورد بیمه
- نوع ساخت
- سقف
- عمر ساختمان

ج - خدمه / محل ثبت کشتی (استاندارد آموزش، شرایط اخلاقی کارگران، کمبود نیروی انسانی)
 ۲ - عوامل خطر تاثیرگذار بر متوسط میزان هر خسارت

الف - سال ساخت و ارزش
 ب - هزینه‌های تعمیر در بندرگاه
 پ - هزینه‌های یدک‌کشی (مخصوص کشتیهائی است که در مکانهای مشخصی قابل تعمیر هستند)
 ت - اثرات تورمی (اغلب تعمیرات به علت بالا بودن نرخهای کشتیرانی کنار گذاشته می‌شود، تعمیر به علت استخدام کارگران غیرمشخص به نحو مطلوبی انجام نمی‌گیرد).

ضمیمه شماره ۵

بیمه شخص ثالث

۱ - عوامل خطر تاثیرگذار بر تواتر خسارت

الف - نوع وسیله نقلیه (خودرو شخصی، وسیله نقلیه عمومی)

ب - قدرت موتور

پ - کارکرد سالانه

ت - شرایط آب و هوا و جاده

ث - سن و حرفه راننده

۲ - عوامل خطر تاثیرگذار بر متوسط میزان هر

خسارت

الف - متوسط درآمد حاصل از مکانیکی موتور و گارازداری

ب - قیمت لوازم یدکی

پ - متوسط درآمد حاصل از تجارت و صنعت (بابت

زیان ناشی از دسترفتن درآمدها)

ت - مخارج بیمارستان

ث - آراء دادگاه

